

باز «کربلا» و باز «غزه» و باز «جابر» و باز «اربعین» و «نابودی صهیونیسم».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعِبْرَاتِ... وَ مَنَحَ النَّصْحَ وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَنْقِدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»

اربعین و حضور در نهایی‌ترین جهان

1- این که امام عسکری (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ» و یکی از آن‌ها را «زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ» می‌شمارند به جهت بصیرت و هوشیاری مؤمن است نسبت به جایگاه تاریخی اربعین.

این ما و این همه جهان گشوده اربعینی، آن هم در تاریخی که انسان‌ها با گرفتاری در فرهنگ مدرنیته تنها در خانه تاریک خودشان به سر می‌برند، حتی وقتی با وسایل سریع دنیای جدید هر جا که می‌خواهند می‌توانند باشند. ولی عجیب است با این که همه جهان بر خط است، هر چه بیشتر در تنهایی تاریک خود در هیچ جایی نیستند. سخن اصلی در تجربه اربعینی این سال، این است که اگر تا دیروز معتقد بودیم هر کس در انقلاب اسلامی و در مقابله با استکبار حاضر نیست، در هیچ جایی حاضر نمی‌باشد و عملاً در هیچ جهانی جای ندارد؛ امروز در همان راستا باید عرض شود اگر در این زمانه در دل انقلاب اسلامی، این اربعین را «فهم» نکند، در هیچ جهانی حاضر نیست، زیرا جهان امروزین آخرین بشر و بشر آخرالزمانی، حضور در نهایی‌ترین جهان است که این یعنی درک نهایی‌ترین ایثار خدام و حضور در تاریخ نهایی‌ترین وجه انسانی بین سیل انسان‌هایی که آمده‌اند یگانگی همدیگر را تجربه کنند و بدین لحاظ نباید از از این رخداد ساده عبور کرد.

اندیشه‌های تازه نسبت به جلوه ابعاد انسانیت نهایی

2- به این باید اندیشید که انسان آخرالزمانی تا آن جا می‌تواند از بستر هستی خود که عین اتصال به خالق هستی‌ها است، اندیشه‌های تازه که مطابق روح نهایی‌ترین انسان است می‌آفریند، نه آن که به مطالبی بپردازد که باور به آن مطالب آسان باشد ولی در آن مطالب جواب نهایی‌ترین طلب حاضر نباشد و از این جهت عطش حضور ملت‌ها در اربعین معنای خاص خود را دارد، به معنای حضور نهایی در انسانیت.

معنی حضور اربعینی با نظر به نمادهای انسانیت

3- باید متوجه بود؛ انسان آخرالزمانی، انسانی است که از سیطره اندیشه‌های معمولی که امکان تردید در آن‌ها هست، رهایی یافته تا با اصل‌ترین اصل‌ها روبه‌رو شود که آن انسانیت کامل است، انسانیتی که بالاتر از آن ممکن نیست و این یعنی نظر به اولیای الهی در نمادهایی همچون علی (علیه‌السلام) و سیدالشهداء (علیه‌السلام)، و لازمه چنان حضوری عبور از هر آن چیزی است که در آن توهمات ساخته ذهن پنهان است، حضوری که مانع می‌شود تا انسان در گرداب نومیدی و انکار فرو غلتد. حضوری که این روزها می‌توان در حرکت اربعینی آن را تجربه کرد و از آن به بعد با آن حضور در همه زندگی به سر برد، در عین همراهی با مردم غزه.

ایران و حضور در نظم جهان پیش رو

4- رخداد اربعینی این سال‌ها، پنجره‌ای شده برای آن که ما شیعیان، به‌خصوص ما ایرانیان، تا جهان مدرن را درست بفهمیم، جهانی که تا دیروز با نوعی شیفتگی به آن می‌نگریستیم. در حالی که امروز متوجه شده‌ایم جهان در وضعیت جدید خود بیرون از ایران نیست و آینده جهان به نقش ایران در بستر انقلاب اسلامی پیوند خورده است و در این راستا و با توجه به این حضور، مردم ما در پیاده‌روی اربعینی حاضر می‌شوند که نوعی آمادگی است برای حضور در نظم جهانی پیش رو. امری که رهبر معظم انقلاب متذکر آن می‌باشند و فرمودند: «دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدّی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدّی هستیم.»

اربعین و درک حضور تاریخی

5- با توجه به نکات فوق، اربعین؛ به عنوان «امکان حضور در تاریخی دیگر» موضوعی است که باید در آن برای عزیزان معنای «حضور تاریخی» تبیین شود و متوجه شویم با چه احساسی باید حضور تاریخی خود را در رخدادی که در صورت اربعین در این سال‌ها ظهور کرده است، دریابیم، که البته این از مشکل‌ترین قسمت‌های فهم است از آن جهت که باید ماورای عقل مدرن به موضوعی نظر کرد که فعلاً در حال تولد است و خود را در طی یک فرآیند می‌نمایاند و بدون آن که یک فکر حصولی باشد، در درون جان آدمیان

سر برمی آورد و در قول و فعل شان سریان می یابد، مانند آن که بدیهیات اولیه انسان را در بر می گیرد. از این جهت می توان گفت جریان اربعین در این تاریخ، وجهی از فطرت تاریخی ما است که ما را فرا گرفته.

6- باید ابتدا این موضوع روشن شود که آیا آن چه در این سالها در سالگرد اربعین حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» پیش آمده، یک اتفاق است یا یک ضرورت تاریخی؟ یک عمل عبادی است همانند پیاده رفتن به کربلا در سالهای گذشته و یا تغییر نگاه به اربعینی است که ظرفیت حضور در تاریخی را دارد که حضرت امام عسکری «علیه السلام» با توصیه به حفظ آن می خواهند شیعیان از سیطره حاکمیت متوکل عباسی زمانه رهایی یابند؟ به عنوان حضور امروزین ما در این تاریخ.

چرا با پای پیاده؟

7- در راستای ایفای نقش فعال در تاریخی که امام حسین «علیه السلام»، آن را فتح کردند، امام صادق «علیه السلام»، به ما فرموده اند: «مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ «علیه السلام» مَا شِئَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَهُ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ» کسی پیاده به زیارت قبر حسین «علیه السلام» برود، خداوند برای هر قدمی هزار حسنه نوشته و هزار گناه از او پاک می کند و رتبه اش هزار درجه بالا می رود. این یعنی در دل آن آغاز، انسان در آغاز دیگری حاضر می شود که تفصیل آن اجمال است. آن هم با حضوری چشم گیر که با پیاده رفتن بهتر پیش می آید.

درد مشترک مقابله با دشمنان انسانیت و انس با خدا

8- اگر از معنای تاریخی رخدادی که با اربعین ظهور کرده غفلت نشود، متوجه می شویم درد مشترکی است که این جمعیت را وارد این صحنه کرده، مثل درد مشترکی که اصحاب سیدالشهداء «علیه السلام» داشتند و متوجه حضور تاریخی خود کنار آن حضرت شدند. این درد مشترک و در کنار امام حسین «علیه السلام» قرار داشتن، چیزی است مافوق جلب بهشت و دوری از جهنم. در این جا آینه ای در مقابل ما قرار گرفته که می توان در راستای مقابله با دشمنان انسانیت با خدا مانوس شد و با تجلیات خاص حضرت حق مرتبط گشت.

وجدان عمومی یا افکار عمومی؟

9- حال ماییم و رویارویی دو حضور، حضوری که بنا دارد از طریق رسانه ها در فرهنگ مدرن، افکار عمومی را به نفع خود مدیریت نماید و انسان را در معنایی که معنای خودبنیادی است؛ تعریف کند. و حضوری که نظر به وجدان عمومی انسانها دارد تا ابعاد روحانی و متعالی آنان را متذکر شود و به یگانگی انسانها در هر کجا که باشند، نظر دارد به همان معنای حضور افراد با ملیت های مختلف در رخداد اربعینی در روزهایی که ما با آن روبه رو هستیم و فهم این نکته یعنی فهم آینده ای که در پیش است.

تولد انسان هایی با نظر به کیفیت ها

10- همه آن هایی که دغدغه عبور از فرهنگ ظلمانی دوران را دارند و می خواهند با عقلی غیر از عقل غربی با سایر انسانها مانوس شوند، باید به فرهنگ اربعین نظر کنند تا در دل این فرهنگ متوجه تولد انسانی شوند که برای کیفیت های عالم در کنار کمیت ها، نقش قائل است. اربعین نشان داد که در حکمت حسینی، شکست معنی ندارد و پایداری و بقاء، جزء اصلی این حکمت است. حتی در دربار یزید، آثار زنده ماندن کربلا نمایان شد. حال از آن به بعد در تاریخ، با نمونه ای بسیار متعالی و روشن و پراز رمز و راز؛ یعنی اربعین شهدای کربلا روبه رو هستیم، کسانی که در افق انسان تراز انقلاب اسلامی می توانند راهنمای آینده ما باشند، و حضور اربعینی ما یعنی حضور در کنار مردم مظلوم و مجاهد فلسطین.

11- فراموش نکرده ایم که پس از واقعه عاشورا در کنار آن تبلیغاتی که امام «علیه السلام» را به عنوان یک خارجی معرفی کردند، چنان جوّ اربعایی در کشور حاکم نمودند تا کسی جرأت یاد امام حسین «علیه السلام» را هم نداشته باشد و از این طریق برای همیشه سنت حسین «علیه السلام» و سنت محمد «صلی الله علیه وآله وسلم» از صحنه خاطره ها و سینه ها محو شود و یزیدیان به راحتی بتوانند خود را تبلیغ کنند. در این صورت است که معلوم می شود در چنین شرایطی، احیاء اربعین حسین «علیه السلام» چقدر کارساز بوده. در واقع با اربعین، همه طمع دشمن خنثی و بی نتیجه شد. همچنان که در این تاریخ پس از چهارصدسال حاکمیت تفکر سکولاریته، شیعیان با به صحنه آوردن اربعین حیل ستمگران این دوران را نیز خنثی کردند تا این شاء الله روحها و روانها در جهان اسلام در تعریف انسان و ابعاد انسانی نگاه دیگری را دنبال کند که این در جای خود امر مهمی است نسبت به امید به آینده.

معنای حضور میلیونی اربعینی این سالها در عین پیاده روی

12- حرکت حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» یک تذکر بود به همه تاریخ که چگونه از ظلمات زمانه می توان خود را رها کرد و امروز مردم در حماسه اربعین ذیل تذکر حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» به روحی منورند که آن ها را از ظلمات فرهنگ آموی جهان استکبار رهایی می بخشد و این است معنای حماسه میلیونی راهپیمایی اربعین حسینی که شیعه در سال های اخیر با هوشیاری و خوش سلیقگی، زیارت آن حضرت را که در جای خود بسیار ارزشمند است، همراه با پیاده رفتن برای آن زیارت جمع کرده است.

13- دشمنان حقیقت حسینی تلاش بسیار کردند تا وفاداری به امام «علیه السلام» از بین برود، و گرنه کشتن امام به وسیله آن همه لشکر که عمر سعد جمع کرده بود، هنر نیست. آن ها می خواستند این وفاداری که جابر و امثال او از خود نشان دادند برای همیشه نابود شود، وفاداری عاشقانه ای که کربلاییان را سمبل دین می کند. در واقع عهد حسینی جناب جابر با زیارت امام در اربعین حفظ شد و امروز هم من و شما سنت اربعین را تکرار می کنیم، یعنی ای حسین! شما همیشه معنای حقیقت در همه زمان ها حق هستید و ما بنا داریم ارتباطمان را از طریق شما با حق یگانه کنیم تا وفاداری به حق را هیچ گاه در هیچ زمانی از دست ندهیم، و مرور زمان و غوغای زمانه و تبلیغات یزیدیان نتواند ارتباط ما را با شما قطع کند.

هر سال اربعین گرفتن آن گونه که امام صادق «علیه السلام» در زیارت اربعین به ما آموختند به آن معنا است که با امام حسین «علیه السلام» سخن بگوییم و به آینده ای نظر کنیم که انسان ها در آن آینده معنای انسانیت را «فهم» کنند و امیدوار شکست جبهه ضد انسانی استکبار باشیم در آینده ظلمانی صهیونیسم. و این یعنی باز «کربلا» و باز «غزه» و باز «جابر» و باز «اربعین» و باز «نابودی صهیونیسم».

والسلام